

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳۱

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳

نقش معرفت به امام زمان عجله الله تعالی فرجه در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور

رضا نوروزی*

چکیده

محروم بودن شیعیان از بهره‌مندی مستقیم از پرتوهای نورانی و هدایت‌گر امام زمان عجله الله تعالی فرجه در زمان غیبت، حرکت در مسیر هدایت را برای آنان دشوار می‌سازد و زمینه حیرت، غفلت و گمراهی را فراهم می‌آورد؛ اما منتظران امام زمان عجله الله تعالی فرجه در زمان غیبت، می‌توانند با استمداد از مجموعه باورهای عمیق درباره امامت، خود را از غفلت‌ها و انحراف‌های زمانه غیبت مصون سازند و زمینه تکامل معنوی و اخلاقی خود را فراهم کنند و بدین وسیله زمینه‌ساز ظهور امام خود شوند. از این رو از جمله بهترین راهکارها برای سوق دادن منتظران به سمت کمالات اخلاقی و مقامات معنوی، تعمیق و باورسازی باورهایی است که زمینه‌ساز سیرانسان منتظر به سمت فضایل اخلاقی و معنوی به شمار می‌آید.

در این نوشتار، باورهای زمینه‌ساز برای اخلاقی شدن منتظران مورد بررسی قرار گرفته و نقش آن‌ها در رسیدن به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی تبیین شده است. از این رو باورهایی همچون معرفت به وجود امام زمان عجله الله تعالی فرجه اعتقاد به ظهور آن حضرت، توجه به علم فراگیر امام عجله الله تعالی فرجه و محبت و ارادت به ایشان را بررسی می‌کنیم و نقش این باورها در تربیت نفوس و تزکیه روح منتظران را تبیین می‌نماییم.

واژگان کلیدی

امام زمان عجله الله تعالی فرجه، مهدویت، اخلاق منتظران، عصر غیبت، انتظار.

* استادیار دانشگاه قم (r.nourouzy@yahoo.com).

مقدمه

دوران غیبت امام زمان علیه السلام ویژه در تاریخ تشیع به شمار می‌آید و شیعیان در این دوره، در شرایطی خاص قرار گرفته‌اند؛ محرومیت آنان از استفاده مستقیم از پرتوهای نورانی و هدایتگر امام خود، سبب ایجاد سختی‌هایی در مسیر هدایتشان می‌شود و رسیدن به نقطه کمال را برای آنان با مشکلاتی همراه می‌سازد. در زمان حضور امامان معصوم علیهم السلام شیعیان راستین با دسترسی مستقیم به آنان، افزون بر دریافت هدایت‌های مستمرشان، خود را از هر نوع انحراف و غفلت مصون می‌سازند و به کوره‌راه‌های ضلالت و سرگردانی و بیابان‌های انحراف و کژی دچار نمی‌شوند و مسیر خود را با نور هدایت امام به سلامت تا رسیدن به مقصد پی می‌گیرند. اما در زمان غیبت - به ویژه در غیبت کبری - شرایطی متفاوت برای شیعیان ایجاد شده است؛ شرایطی که می‌تواند موجب غفلت آنان از امام زمانشان شود و زمینه‌ساز ورود به بیابان‌های حیرت باشد؛ چنان که در طول تاریخ غیبت کبرا، شیعه شاهد چنین انحرافات در برخی از شیعیان بوده است، چه انحرافات اعتقادی و کلامی و چه انحرافات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

از سوی دیگر، آماده‌سازی زمینه ظهور امام غایب علیه السلام نیز از وظایف اصلی منتظران است. از این رو تلاش فردی و اجتماعی برای زمینه‌سازی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی، از اصول اساسی انتظار به شمار می‌آید و لذا آن چه در زمان غیبت برای منتظران حیاتی محسوب می‌شود، از یک سو از بین بردن زمینه غفلت‌ها و انحرافات ناشی از دسترسی نداشتن ظاهری به امام معصوم علیه السلام است و از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت و حاکمیت ارزش‌ها در حیطه زندگی فردی و اجتماعی منتظران به شمار می‌رود. در تغییر این شرایط غفلت‌زا و ایجاد زمینه مناسب برای ظهور حضرت علیه السلام چند امر نقش اساسی دارد:

۱. عنایات ویژه امام غایب علیه السلام به شیعیان در زمان غیبت؛
 ۲. نقش عالمان دینی در هدایت شیعیان به عنوان نایبان امام زمان علیه السلام؛
 ۳. معرفت و توجه شیعیان به امام عصر علیه السلام.
- پرداختن به هر یک از این عوامل نیازمند نوشتاری مستقل است؛ اما آن چه در این نوشتار، به طور خاص مورد توجه قرار دارد، سومین بخش از عوامل یادشده است. از این رو به بررسی آن بخش از باورهای منتظران در مسئله امامت می‌پردازیم که اعتقاد به آن در زمان غیبت، در

زمینه اخلاقی شدن جامعه منتظران نقش اساسی دارد و فرد منتظر و جامعه منتظران را از انحرافات اخلاقی و غفلت‌های معنوی مصون می‌سازد و آنان را در سلوک مسیر معنوی دستگیری می‌کند و در نتیجه هم غفلت و انحراف را از آن‌ها دور می‌سازد و هم جامعه منتظران را آماده ظهور امام (عج) می‌سازد.

در مجموعه اعتقادات یک منتظر، باورهایی را که در سوق دادن منتظران به سوی مکارم اخلاقی و ملکات نفسانی بسیار مؤثر است و با زنده کردن آن‌ها می‌توان غفلت منتظران در تخلق به اخلاق الهی را از بین برد، در چند محور بررسی می‌کنیم:

۱. اعتقاد به وجود امام (عج)

از جمله تفاوت‌های اساسی بین دیدگاه شیعیان با اهل سنت در مسئله مهدویت، وجود حضرت مهدی (عج) است. بر اساس نگاه اکثر علمای اهل سنت، حضرت مهدی (عج) در آینده متولد می‌شود^۱ و با قیام خود، جهان را از عدل و داد پر می‌سازد (برای بررسی دیدگاه‌های علمای اهل سنت، نک: فقیه ایمانی، ۱۴۰۲)؛ اما در دیدگاه شیعیان، حضرت مهدی (عج) همان فرزند امام حسن عسکری (عج) است. لذا متولد شده و در قید حیات به سر می‌برد، اما بر اساس مصالح و حکمت‌هایی در پس پرده غیبت حضور دارد و در آینده ظهور می‌کند و با قیام خود، به ظلم گسترده جهانی خاتمه می‌دهد. تولد حضرت (عج) در دیدگاه شیعه، با ادله متقن اثبات شده که پرداختن به آن از عهده این نوشتار بیرون است.

بر اساس دیدگاه اهل سنت، باید مسئله مهدویت را از وقایع آخر الزمان به شمار آورد که آغاز آن در آن زمانه خواهد بود؛ اما در دیدگاه شیعه، از زمان اتمام امامت امام حسن عسکری (عج) امامت بر عهده امام موجود موعود خواهد بود. از این رو اگرچه غیبت امام، پرده‌ای میان شیعیان و ایشان ایجاد کرده است، اما اعتقاد به وجود امام، موجب ایجاد علقه باطنی میان شیعیان و امامشان می‌شود.

تأثیر اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) در اخلاق منتظران

۷ نکته مهم در این بحث، این است که اعتقاد به تولد و وجود حضرت مهدی (عج) یک معرفت

۱. برخی علمای اهل سنت معتقد به تولد حضرت مهدی (عج) هستند و برخی دیگر اگرچه به ولادت فرزند امام حسن عسکری (عج) اعتقاد دارند، اما او را مهدی موعود نمی‌دانند و بر این باورند که مهدی موعود هنوز متولد نشده است (نک: اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۲۰۳ به بعد).

و شناخت صرف نیست؛ بدین معنا که انسان معتقد به حیات ایشان، تنها به یک معرفت عقلی اکتفا نمی‌کند، بلکه فراتر از این شناخت، ایمان و گرایش به آن نیز خواهد داشت؛ زیرا بین درک و شناخت یک امر با ایمان به آن، تفاوتی عمیق وجود دارد. اگر مطلبی صرفاً مورد پذیرش عقل و فکر انسان قرار گیرد، معرفت و شناخت حاصل شده است، اما اگر از این مرحله فراتر رود و این معرفت در قلب انسان نیز رسوخ کند و گرایش‌های انسان را نیز با خود همسو سازد، ایمان حاصل می‌شود. شهید مطهری می‌گوید:

ایمان یعنی اعتقاد و گرایش، ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک فکر. مجذوب شدن به یک فکر دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد؛ یک رکن دیگر، جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ۲۴۷)

درباره ایمان به حضرت مهدی علیه السلام نیز فراتر از یک شناخت، نوعی باور و گرایش به این حقیقت در وجود منتظران شکل می‌گیرد. از این رو در جریان «مهدی باوری» در مرحله نخست این حقیقت، با ساحت ادراکی انسان ارتباط برقرار می‌سازد. لذا انسان با آن حقیقت «عقد العقل» برقرار می‌کند. نتیجه این مرحله، ایجاد «بینش» برای انسان است؛ اما در مرحله عمیق‌تر، این حقیقت در ساحت عاطفی انسان نفوذ می‌کند و آن را نیز همراه خود می‌سازد. از این رو به برقراری «عقد القلب» می‌انجامد که با شکل‌گیری عقد القلب، «گرایش» به آن حقیقت در نهاد انسان صورت می‌بندد. نتیجه حاصل از این دو مرحله، خود را تحت عنوان ایمان به آن حقیقت بروز می‌دهد. لذا ایمان به یک حقیقت و از آن جمله ایمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام گرایش بنیادین و ژرف و متعالی است که بر پایه یک بینش استوار شده است (هاشمی العمیدی، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

با این توضیحات روشن می‌شود که ایمان به وجود حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌ساز همراهی و همسویی با حضرت را در منتظران به وجود می‌آورد. منتظری که به حضرت اعتقاد دارد، نه تنها اندیشه خود را با معرفت او آزرین کرده است، بلکه با پیوند عاطفی با مولای خود، قلب خود را نیز به او سپرده است و مولایش الگوی رفتاری و اخلاقی او خواهد بود. از این رو، هرگونه ردیله اخلاقی را در تضاد با این اعتقاد قلبی می‌داند و در رفع و دفع آن می‌کوشد. بسیاری از توصیه‌هایی که توسط معصومین علیهم السلام به منتظران حضرت مهدی علیه السلام شده است و بسیاری از وظایفی که تحت عنوان وظایف منتظران در زمان غیبت مورد تأکید قرار گرفته، به نوعی در

راستای تقویت رابطه روحی منتظران با مولای خویش است.

۲. اعتقاد به ظهور

منتظران امام زمان علیه السلام کسانی هستند که انتظار ظهور حضرت علیه السلام را می‌کشند. از این رو در اندیشه آنان، ظهور حتمی امام عصر علیه السلام و انتها یافتن غیبت، یکی از اندیشه‌های اساسی و بنیادی به شمار می‌آید که در کتب روایی شیعه و منابع اهل سنت در این باره روایات بسیاری آمده است. روایات فریقین بر قطعیت قیام حضرت مهدی علیه السلام تأکید فراوان دارد، تا جایی که تأکید می‌کند قیامت فرا نخواهد رسید، مگر این که ظهور تحقق یابد و حتی اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت علیهم السلام را برمی‌انگیزد تا زمین را از قسط و عدل پر سازد، آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد (قزوینی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۲۴، ح ۲۷۷۹؛ سجستانی، ۱۴۲۲: ج ۴، ۱۴۱، ح ۴۲۸۲؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۸: ۱۴ و ۱۶). لسان این روایات به گونه‌ای است که اراده حتمی الهی را برای ظهور حضرت بیان می‌کند و هرگونه تردید را درباره آن نفی می‌سازد.

نقش سازنده انتظار در اخلاق منتظران

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از جمله اعتقادات زمینه‌ساز برای اخلاقی کردن فرد و جامعه منتظران به شمار می‌آید. انتظار منجی در زمان غیبت، منتظران را به سمت تعالی اخلاقی و کمال انسانی سوق می‌دهد و در اصلاح فرد و جامعه نقشی سازنده ایفا می‌کند. در بررسی نقش سازنده انتظار سه محور قابل توجه است:

الف) تلاش برای دست‌یابی به صفات یاران حضرت علیهم السلام

کسی که در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و به معنای واقعی کلمه، انتظار آن حضرت را می‌کشد و برای ظهور ایشان لحظه‌شماری می‌کند، بی‌گمان برای ایفای نقش در زمان ظهور، تلاشی بی‌وقفه خواهد داشت. از این رو در جنبه اخلاقی، با امیدی وافرو با همتی والا به سمت دست‌یابی به صفات یاران آن حضرت حرکت می‌کند. منتظرانی که در دعاها و مناجات‌های خود همواره از خداوند می‌خواهند در زمره یاوران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرند، برای برآورده شدن این آرزو، تلاش خواهند کرد. بر اساس روایات، یکی از دعاهای همیشگی منتظران در مناجات‌ها و زیارت‌های خود، دعا برای توفیق همراهی با حضرت است که با تعبیر گوناگونی وارد شده است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأوامره وَ تَوَاهِيهِ وَ الْحَامِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ... (كفعمی، ۱۴۱۸: ۸۲)

خداوندا، مرا از یاوران و هواداران و مدافعان حضرت مهدی علیه السلام و از شتابندگان در انجام خواسته‌های او و اطاعت کنندگان از اوامر و نواهی او قرار بده و من را از حامیان از او و پیشی‌گیرندگان به سوی خواسته‌های او و شهیدان در حضور او مقرر فرما!

بی‌گمان کسی که بخواهد از یاوران امام عصر علیه السلام قرار گیرد و در زمره همراهان ایشان به دفاع از آن حضرت بپردازد و مطیع امر و نهی ایشان شود، باید ویژگی‌های درخور توجهی در خود ایجاد کند که در یک جمله، دوری از همه رذایل و دست‌یابی به همه فضایل از اوصاف چنین فردی خواهد بود:

من سرّه ان یكون من اصحاب القائم، فلينتظر وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛ (کوفی، ۱۴۲۴: ۱۴۷، نعمانی، ۱۳۹۵: ۲۰۰)

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حالی که منتظر است با ورع و پرهیزکاری عمل کند و بر اساس محاسن اخلاقی رفتار کند.

انسان منتظر، از یک طرف موظف است هر روز و شب برای همراهی با حضرت و قرار گرفتن در زمره یاران ایشان دعا کند و از سوی دیگر، برای استجابات این دعا باید همواره در کسب صفات نیکوی اخلاقی بکوشد؛ چرا که یاوران حضرت در روایات، انسان‌هایی وارسته و دین‌دار معرفی شده‌اند که استقامت و پایداری آنان در راه دین، وصف ناشدنی است و به تعبیر نبی اکرم صلی الله علیه و آله استقامت آنان در دین‌داری، شدیدتر از استقامت انسانی است که آتشی سوزان در کف دست دارد.^۱ از این روست که انتظار در معنای مثبت و واقعی خود، از بهترین عوامل برای سیر منتظران به سمت کمالات اخلاقی به شمار می‌رود.

ب) آمادگی برای ظهور ناگهانی

منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام همواره در انتظار امری دفعی هستند؛ امری که به دلیل نامعلوم بودن زمانش، همیشه خود را در آستانه آن می‌بینند. از این رو ناگهانی بودن امر ظهور، منتظران را به سمت محاسن اخلاقی سوق می‌دهد و از رذایل باز می‌دارد.

۱. لَأَخَذَهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ، مِنْ خَزَرِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ اللَّطْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَا ... (صفا، ۱۴۰۴: ج ۱، ۸۴)

امام مهدی علیه السلام شیعیان را به ناگهانی بودن امر فرج هشدار می دهد و از آنان می خواهد که در حالت غفلت نباشند و خود را با محاسن اخلاقی و رفتارهای معنوی به حضرت نزدیک سازند و با دوری از ذرایل و امور ناپسند، زمینه دوری خود از ایشان را فراهم نسازند تا مبادا به طور ناگهانی با ظهور مواجه شوند و گرفتار خشم و کيفر حضرت گردند:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعَثُهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۸)

پس هر کدام از شما باید هر آن چه را که موجب دوستی ما می شود انجام دهد و از هر آن چه موجب ناخشنودی و خشم ما می شود، دوری کنید؛ چرا که امر ظهور ما یک باره و ناگهانی خواهد بود و در آن زمان، توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناهان، کسی را از کيفر ما نجات نمی دهد.

این حقیقت توسط امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم نیز آمده است:

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظروا إنا منتظرون﴾؛ (انعام: ۱۵۸)

روزی که برخی از نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده است یا همراه ایمان خود، کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو شما منتظر باشید و ما نیز منتظر خواهیم بود.

نشانه هایی که خداوند در این آیه وعده آمدنشان را داده، در روایاتی متعدد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۵۰۱؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰).

این نقش انتظار ظهور را می توان با انتظار مرگ یا امر قیامت مقایسه کرد که فردی که هر لحظه به یاد مرگ و قیامت است و توجه به آن را در زندگی خود زنده کرده، برای کوچ کردن از دنیا آمادگی دائمی پیدا می کند و هر امر ناپسند را کنار می نهد و از انجام امور پسندیده کوتاهی نمی ورزد. بر اساس همین همانندی امر ظهور با امر قیامت است که در روایات - از جمله در روایت پیشین - تأکید می شود که همان گونه که با رسیدن مرگ یا قیامت راه پشیمانی و توبه مسدود می شود، با رسیدن امر ظهور، کسانی که خود را آماده آن نکرده اند، از برکات آن بی بهره اند.

ج) تلاش برای زمینه سازی ظهور

در دل حقیقت انتظار، ناراضی بودن نسبت به وضع موجود و امیدواری به آینده ای با

وضع مطلوب نهفته است کسی که نسبت به شرایطی که در آن به سر می‌برد، هیچ احساس ناخوشایندی ندارد و آینده روشن و مطلوبی را پیش روی خود نمی‌بیند، منتظر محسوب نمی‌شود. از این رو نخستین شرط انتظار، معرفت و توجه به این حقیقت است که وضع موجود جهان و شرایط موجود حیات انسانی، با عظمت وجودی انسان، شأن او و هدف از خلقت او ناسازگار است و در مقابل آن چه بعد از ظهور و در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهد، ظهور واقعی حیات طیب خواهد بود (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۷۲ - ۲۷۳).

نتیجه دو رکن اساسی بالا در منتظران، تلاش فراگیر فردی و اجتماعی برای تحقق ظهور و حاکمیت حضرت علیه السلام بر عالم خواهد بود. بنابراین حقیقت انتظار، خود را در تلاش فردی و اجتماعی برای زمینه‌سازی حاکمیت ارزش‌های موجود در حکومت حضرت مهدی علیه السلام نشان می‌دهد. از این رو حقیقت انتظار، فرد و اجتماع را به سمت فضایل و کمالات اخلاقی سوق می‌دهد و از رذایل اخلاقی باز می‌دارد.

روایاتی که در بیان وظایف منتظران در زمانه غیبت وارد شده است نیز به خوبی بر نقش سازنده انتظار در سیر معنوی منتظران تأکید دارند. این روایات در چند محور قابل بررسی هستند؛ گروهی از روایات، شیعیان را از گناهان و رذایل در زمان غیبت نهی می‌کند. از این رو به صراحت وظیفه منتظر را تزکیه نفس می‌داند. در توفیق شریف حضرت صاحب الزمان علیه السلام به شیخ مفید، همه گناهان و رذایل ناپسند از دیدگاه معصومین علیهم السلام که توسط شیعیان انجام می‌شود، مایه دوری آن‌ها از امام زمانشان معرفی می‌شود و در نتیجه پرده غیبت را محکم‌تر و زمان آن را طولانی‌تر می‌سازد:

فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۹)

هیچ چیز ما را از ایشان (شیعیان) محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از آنان به ما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.

بر اساس این روایات، دوری از همه آن‌چه معصومان علیهم السلام از آن ناخشنود هستند، از وظایف یک منتظر به شمار می‌آید. آیا می‌توان ادعای انتظار حضرت را داشت، اما به سمت تزکیه نفس و تقوای الهی و دوری از گناهان حرکت نکرد و با ارتکاب گناه و ظلم و... پرده غیبت را ضخیم‌تر ساخت؟

گروه دیگری از روایات نیز که بر دعا برای فرج تأکید می‌ورزند و آن را از وظایف منتظران

قلمداد می‌کنند^۱، در باطن خود بر تهذیب و تزکیه اخلاقی منتظران دلالت دارند؛ چراکه دعا برای ظهور حضرت علیه السلام دعا برای ظهور همه فضایل و نیکی هاست و دعا برای ریشه کن شدن همه ظلم‌ها و بدی هاست. کسی که شبانه روز برای ظهور چنین حقیقتی دعا می‌کند^۲، چگونه می‌تواند در راستای استجاب دعا خود بی‌توجه باشد؟ فردی که در کسب فضایل اخلاقی تلاش نمی‌کند و در دوری از رذایل کوشا نیست، بلکه حتی گاهی از فضایل بیزار و بر رذایل راغب است، چگونه می‌تواند انتظار واقعی برای ظهور فضایل و رفع رذایل داشته باشد؟

از سوی دیگر نیز آن گروه از روایاتی که منتظران را موظف به کسب آمادگی برای ظهور می‌سازد، مسلماً آنان را موظف به آمادگی روحی و معنوی نیز می‌کند؛ چراکه ظهور حضرت حجت علیه السلام فراتر از آمادگی ظاهری، نیازمند آمادگی روحی و معنوی نیز هست و جهاد اصغر آن زمان، نیازمند پشتوانه جهاد اکبر است. از این رو روایاتی که امر می‌کند برای خروج حضرت، ولو به اندازه یک تیر نیز که شده، آمادگی داشته باشید، بر آمادگی معنوی نیز دلالت می‌کند.^۳

با این توضیحات هر نوع برداشتی که وظیفه منتظران را در دعا برای تعجیل فرج، منحصر سازد یا مبارزه با انحرافات و مفسدات در زمان غیبت را مورد غفلت قرار دهد و یا حتی فراتر از این، زمینه سازی ظهور را در دامن زدن به ظلم و ستم در جهان بداند، هیچ اعتباری نخواهد داشت و این نوع برداشت از مفهوم انتظار برداشتی منفی و مغایر با روح تعالیم دینی و روایات انتظار به شمار می‌آید.

۳. اعتقاد به علم فراگیر امام

یکی از اعتقادات عمیق شیعیان درباره ائمه اطهار علیهم السلام اعتقاد به علم فراگیر امام است. بر اساس این باور، امام معصوم علیه السلام به عنوان خلیفه الله، عالم به همه عوالم هستی است. البته اگرچه در اثبات علم امام علیه السلام آیات و روایات فراوانی وجود دارد، اما از آن جایی که این نوشتار عهده دار اثبات علم امام نیست، تنها به یک آیه اشاره می‌شود (برای بررسی آیات و روایات مربوط به علم امام، نک: حیدری، ۱۴۲۹):

۱. در توفیق شریف به اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «وَأَكْبَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ». (طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۲۹۲ - ۲۹۳)

۲. دعاهایی که برای فرج امام عصر علیه السلام پس از فرایض وارد شده است، بر استمرار دعا برای ظهور آن حضرت دلالت دارند. (نک: طوسی، ۱۴۱۱ ب: ج ۱، ۳۶۸)

۳. لِيُعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِيُخْرُجَ الْقَائِمُ وَ لَوْ سَهْمًا. (نعمانی، ۱۳۹۵: ۳۲۰)

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛ (رعد: ۴۳)

بگو: برای شهادت میان من و شما خداوند و آن کسی که علم کتاب دارد کفایت می‌کند.

بسیاری از روایات در تفسیر این آیه شریفه، منظور از علم کتاب را امیرالمؤمنین علی علیه السلام معرفی می‌کنند (نک: بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۷۲ - ۲۷۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۲۲ - ۵۲۳). از این رو در برخی روایات، با اشاره به کسی که به دلیل داشتن علم کتاب، تخت بلقیس را در یک چشم برهم زدن برای حضرت سلیمان علیه السلام آورد، علم او را قطره‌ای از دریا معرفی می‌کند و در مقابل ائمه علیهم السلام را مخزن علم کتاب می‌داند (قمی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۶۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵۷).

الف) امام، شاهد اعمال دیگران

اگرچه علم امام معصوم علیه السلام به همه عوالم، شامل علم او به اعمال و رفتارها، بلکه نیت‌های انسان‌ها نیز می‌شود، اما افزون بر علم گسترده امام معصوم علیه السلام در متون دینی شاهد روایاتی هستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را شاهد بر اعمال معرفی می‌کند که در آیات قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره شده است:

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ (توبه: ۱۰۵)

بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آن چه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.

این آیه شریفه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و مؤمنان را شاهد بر اعمال معرفی می‌کند. در مکتب اهل بیت علیهم السلام، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام رسیده است که مراد از «مؤمنان» در این آیه، ائمه اطهار علیهم السلام هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۶۲) که به روایات «عرض اعمال» معروف‌اند و این روایات، فراوان‌اند. علامه مجلسی ۷۵ روایت در این باره نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۱۰۷ - ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۳، ۳۳۳ - ۳۵۳). لذا با توجه به این روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام شاهد اعمال انسان‌ها هستند:

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَازُهَا وَفَجَارُهَا فَآخِذُ رَوْهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹)

تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر اکرم ﷺ عرضه می شود؛ اعمال نیکان و بدان. بنابراین مراقب باشید و این است مراد سخن خداوند عزوجل که فرمود: «و بگو:» [هر کاری می خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست».

در تفسیر این آیه، مسلم است که نمی توان آن را اشاره به مسئله ای عادی دانست؛ بدین معنا که انسان هر عملی انجام می دهد، خواه ناخواه ظاهر می شود و پیامبر اکرم ﷺ و همه مؤمنان از طرق عادی از آن آگاه می شوند. دلیل بی اعتبار بودن این تفسیر آن است که شواهد در خود آیه وجود دارد که مانع این تفسیر سطحی می شود؛ چرا که اولاً آیه با اطلاق خود، همه اعمال را شامل می شود، چه آن عمل از طریق عادی ظاهر شود یا نه. از این رو آگاهی پیامبر ﷺ و مؤمنان از اعمال مردم باید از طریق غیر عادی صورت گیرد. ثانیاً تکیه بر مؤمنان در صورتی صحیح است که منظور، همه اعمال، آن هم از طریق غیر عادی باشد؛ وگرنه اگر مراد فقط اعمال آشکار باشد، هم مؤمنان و هم غیر مؤمنان آن را می بینند و لذا تأکید بر این که مؤمنان می بینند، دال بر این است که از طریق غیر عادی از آن اطلاع می یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۶۵).

این رؤیت اعمال مربوط به دنیا است نه روز قیامت. از این رو مراد آیه، اطلاع مؤمنان در روز قیامت نیست؛ چرا که ادامه آیه - «سَتَرْدُونَ إِلَيَّ الْعَالِمِ الْغَيْبِ» - بر این دلالت دارد که رؤیت رسول اکرم ﷺ و مؤمنان، پیش از بعثت و قیامت است و مربوط به دنیا است (طباطبایی، ۱۴۲۴: ج ۹، ۳۷۹).

نکته درخور توجه در باب عرض اعمال این است که بر اساس روایات، عرضه اعمال در اولین مرحله به امام معصوم هر زمان صورت می گیرد. بنابراین در زمان غیبت نیز عرضه اعمال به حضرت مهدی ﷺ خواهد بود.^۱

۱. إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ ﷺ وَ أَحَدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الدُّنْيَا وَ إِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ ثُمَّ عَلَى وَاحِدٍ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يُعْرَضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ يُعْرَضُ عَلَى اللَّهِ فَمَا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ وَ مَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ وَ مَا اسْتَعْنَوْا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حُرْفَةً عَيْنٍ؛ هنگامی که اراده خداوند بر امری تعلق گیرد، آن را به رسولش و از او به امیرالمؤمنین و از او تا به صاحب الزمان عرضه می کند، سپس آن امر در دنیا اجرا می شود. و آن هنگامی که ملائکه بخواهند امری را به نزد خدا ببرند، اول آن امر به صاحب الزمان سپس به حجت پیش از او عرضه می شود تا به رسول الله برسد. پس آن چه از جانب خداوند نازل می شود به دست ایشان می رسد و آن چه به خداوند عروج یابد از دست ایشان می گذرد و ایشان به اندازه یک چشم به هم زدنی از خداوند بی نیاز نیستند.

ب) تأثیر اعتقاد به علم امام در اخلاق منتظران

بی‌گمان توجه به این که امام معصوم علیه السلام به اذن الهی به همه زوایای وجودی ما علم دارد، سبب می‌شود از زندگی جاهلی رها شویم و به اندازه درجه معرفتی که به امام پیدا کرده‌ایم به حیات طیب رهنمون گردیم (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ و ۴۴). اما برای تبیین چگونگی و گستره اثرگذاری توجه به علم امام، به بیان مقدماتی نیازمندیم.

برای تأمین سعادت انسان - چه صرفاً سعادت دنیوی او یا فراتر از آن سعادت اخروی - جامعه انسانی نیازمند مقررات و قوانین است که هر قدر این قوانین کامل‌تر و جامع‌تر باشند، در تأمین این سعادت موفق‌ترند. اما این قوانین و مقررات در صورتی مؤثر خواهند بود که از ضمانت اجرایی قوی و جامعی برخوردار باشند. از این رو در کنار این قوانین، برای تهدید برتخلف یا تشویق به اطاعت، قوانین جزایی دیگری نیز پی‌ریزی می‌گردد و برای ضمانت اجرایی آن، حاکم عالم به احکام و عادل در اجرا قرار داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۲۵).

ضمانت اجرایی در هر مجموعه از قوانین، باید متناسب با ویژگی‌های آن قوانین باشد. برای مثال، قوانین صرفاً اجتماعی، بیشتر نیازمند ضمانت اجرایی بیرونی هستند. آموزه‌های دین اسلام و قوانین آن، ویژگی‌هایی دارند که نیازمند تضمین‌های اجرایی متناسب با خود هستند که از بین این ویژگی‌ها به چند ویژگی مهم و مؤثر در بحث اشاره می‌کنیم:

یکم. جامعیت آموزه‌های دین اسلام

در یک تقسیم‌بندی، احکام ارزشی را به سه گروه تقسیم می‌کنند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲ به بعد):

الف) احکام الهی و دینی که نواهی و اوامری که مستند به خدای متعال است را دربر می‌گیرد و هر دین از پیروان خود، عمل بر اساس این احکام را طلب می‌کند.

ب) احکام اخلاقی، یعنی احکامی که عقل انسان یا فطرت آدمی آن را درک می‌کند و برای آن‌ها ارزش و اعتبار قائل می‌شود؛ مثل حسن راست‌گویی و قبح ستم به دیگران.

ج) احکام حقوقی، یعنی احکامی که برای تأمین مصالح دنیوی انسان‌ها و ناظر به ارتباطات افراد یک جامعه با یکدیگر وضع می‌شود.

عده‌ای بر اساس این تقسیم‌بندی می‌کوشند این سه گروه احکام را کاملاً از هم تفکیک کنند و برای هر کدام حوزه خاصی در نظر گیرند. بنابراین گرایش، قلمرو احکام الهی و دینی را محدود به مناسک و شعائر مذهبی خاص می‌کنند و به شدت تلاش می‌شود حوزه دین نه تنها از حوزه حقوق جدا شود، بلکه انفکاک کامل دین از اخلاق را نیز مطرح می‌سازند.

اما آن چه واقعیت دارد، این است که دین مجموعه‌ای از معارف نظری و احکام عملی است که احکام عملی آن شامل ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خود و ارتباط او با دیگران می‌شود؛ لذا اخلاق و حقوق را نیز دربر می‌گیرد. بر همین اساس در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام مجموعه سرشاری از احکام اخلاقی و حقوقی قابل مشاهده است. آموزه‌های دین اسلام، مجموعه‌ای جامع و کامل از معارف نظری و احکام عملی است که در بخش احکام عملی، روابط چهارگانه انسان را به طور جامع و کامل پوشش می‌دهد؛ از طرفی بر ارتباط انسان با خداوند تأکید می‌ورزد و با نگاه توحیدی خود، همه ارتباطات انسان را بر محور همین ارتباط شکل می‌دهد. از این رو احکام حقوقی و اخلاقی آن نیز با بحث توحید و معاد، پیوندی محکم پیدا می‌کند و از سوی دیگر، از ارتباط انسان با خود، دیگران و عالم طبیعت هیچ چیزی را فروگذار نمی‌کند که شاهد آن، آیات و روایات مفصل و گسترده‌ای است که در هر کدام از این حوزه‌ها به چشم می‌خورد. بنابراین دین اسلام در آموزه‌های خود، همه ابعاد وجودی انسان - اعم از جسم و روح - و تمام ساحت‌های حیات او - اعم از دنیوی و اخروی - و همه حوزه‌های زندگی او - اعم از فردی و اجتماعی - را در نظر گرفته است.

دوم. هدف دین، سعادت دنیوی و اخروی

از دیگر ویژگی‌های آموزه‌های دینی و در رأس آن معارف اسلامی، تأمین سعادت انسان در همه ابعاد آن است که گستردگی آموزه‌های دین، شاهد بر این مدعا است. وقتی آموزه‌های دین، حوزه فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، جسمی و روحی را دربر می‌گیرد، درمی‌یابیم که این دین جامع، در تأمین سعادت فرد و اجتماع، دنیا و آخرت، تأمین کمال جسم و روح هدفی متعالی دارد.

سوم. نقش انگیزه در ارزش افعال

از جمله مباحث مهم در ارزش اخلاقی داشتن یک امر، نیت و انگیزه‌ای است که فاعل بر اساس آن به انجام فعل می‌پردازد. در تحلیل یک فعل اخلاقی، افزون بر حسن فعلی - که بیان‌گر خوبی خود فعل است - به حسن فاعلی یا انگیزه و نیت خوب فاعل در انجام فعل

می‌رسیم. بسیاری از مکاتب اخلاقی در بررسی ارزش فعل، توجهی به حسن فاعلی ندارند و تنها جنبه حسن فعلی آن را مورد دقت قرار می‌دهند. در فلسفه‌های غربی، به جز کانت، تقریباً بحث نیت مورد فراموشی قرار گرفته است (مدرسی، ۱۳۷۱: ۲۲۹). در مقابل، در اخلاق اسلامی نه تنها به حسن فاعلی توجه ویژه شده است، بلکه روح و جان عمل به شمار می‌آید و اساساً فعل بدون نیت و انگیزه مثبت درونی، ارزشمند محسوب نمی‌شود و اساس ارزش در کارهای اخلاقی و احکام دینی، نیت آن است.^۱ از دیدگاه اسلام، در تعیین ارزش اخلاقی، حسن فعلی به تنهایی کافی نیست، بلکه همراه آن، حسن فاعلی نیز لازم است؛ چراکه آثار افعال اخلاقی - یعنی کمال و سعادت انسان - بر حسن فاعلی و داشتن نیت صحیح مترتب می‌شود. بر این اساس تأکید نظام اخلاقی اسلام، بر نیت به عنوان اساس ارزش اخلاقی، تفاوتی کلی بین نظریه اخلاقی اسلام با سایر نظریه‌ها به شمار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ الف: ج ۱، ۱۰۵ - ۱۰۶).

بر اساس آنچه گفته شد، اسلام به عنوان دین خاتم، کامل‌ترین و جامع‌ترین تعالیم و قوانین را برای سعادت کامل و همه‌جانبه انسان ارائه داده است. اما تنها وجود قانون کامل و جامع، سعادت انسان را تأمین نمی‌کند، بلکه ایجاد زمینه مناسب برای اجرایی شدن آن قوانین نیز ضروری است. از این رو اسلام برای این که قانون جامع و کامل آن دارای ضمانت اجرایی کامل و جامعی باشد، از راه‌هایی گوناگون، اجرای این قوانین را ضمانت کرده است. از جمله این ضمانت‌ها، ضمانت اجرایی بیرونی است. احکام حقوقی، ضامن اجرای بیرونی دارند؛ بدین معنا که عاملی از بیرون، فرد را به انجام احکام حقوقی ملزم می‌سازد و اگر کسی قوانین حقوقی را رعایت نکرد، حاکم او را وادار به اجرای قانون می‌کند و برای متخلفان، مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد (همو، ۱۳۸۸ ب: ج ۱، ۷۳) که قوانین جزایی و حقوقی اسلام، عهده‌دار این ضمانت اجرایی هستند. اما بی‌گمان این زمینه، برای اجرایی شدن قوانین اسلام با ویژگی‌های ذکر شده کافی نیست و نیازمند زمینه‌های دیگری است.

چهارم. ناظر بودن امام علیه السلام، ضامن درونی بر اجرای آموزه‌های دین

اگر چه ضمانت اجرایی بیرونی - که در احکام حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد - در مواردی کارا و مفید است، اما نواقص درخور توجهی دارد که بخشی از این نواقص ناظر به ناکارآمد

۱. إنما الأعمال بالتّيات و إنما لإمرئ ما نوى. (مغربی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۴)

بودن آن، حتی در خود احکام اجتماعی است. از این رو در موارد بسیاری زمینه اجرای احکام و قوانین را - حتی در حوزه حقوقی و احکام اجتماعی - فراهم نمی سازد. این نواقص عبارتند از:

۱. ضمانت اجرایی بیرونی: در مواردی مطرح است که حقی از دیگران در میان باشد (همو) و حال آن که بر اساس آن چه گفته شد، تعالیم و احکام اسلام، شامل مجموعه ای گسترده و جامع و ناظر به همه ارتباطات انسان است و به رابطه انسان با دیگران منحصر نمی شود.

۲. ضمانت اجرایی بیرونی: به نیت و انگیزه فرد توجه نمی کند؛ زیرا اولاً نیت و انگیزه فرد در امور حقوقی کمتر مورد توجه است و بیشتر به ظاهر عمل توجه می شود (همو، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۷) و از طرفی نیز امری باطنی است، لذا از دسترس دیگران خارج است. حال آن که - چنان که گفته شد - یکی از ویژگی های اساسی تعالیم و احکام اسلامی، مبتنی بودن ارزش عمل بر نیت و انگیزه فرد است.

۳. ضمانت اجرایی بیرونی: مواردی را شامل می شود که قابلیت اثبات برای حاکم را داشته باشد. از این رو اگر کسی خود را به گریزگاه قانون برساند، مجرم به شمار نمی آید و ضمانت اجرایی بیرونی نمی تواند او را مؤاخذه کند. بنابراین کسی که جرم را مخفیانه انجام دهد یا به گونه ای مرتکب شود که قانون شامل او نشود و به تعبیری قانون را دور بزند، به راحتی از چنگ مؤاخذه رها شده است.

۴. ضمانت اجرایی بیرونی: مواردی که امری درونی است را دربر نمی گیرد، اگرچه در حوزه ارتباطات فرد با دیگران باشد؛ مانند سوء ظن به دیگری.

نواقص موجود در ضمانت اجرایی بیرونی سبب می شود برای اجرای تعالیمی همچون تعالیم اسلام با آن گستردگی و جامعیت، نیازمند زمینه هایی در درون افراد باشیم تا ضامن عملی شدن این قوانین گردد که توجه به ناظر بودن امام نسبت به افراد، از جمله عواملی است که موجب ایجاد انگیزه درونی در انجام تعالیم دینی - چه در حوزه حقوق اجتماعی، چه در حوزه اخلاق اسلامی و چه در حوزه احکام فقهی - می شود. از این رو اگرچه ظاهراً نظارت امام علیه السلام امری بیرونی برای افراد است، اما در واقع اعتقاد به علم امام و نظارت او، زمینه ساز ایجاد انگیزه و عاملی درونی در فرد می گردد.

کسی که همواره امام و مولای خویش را واقف بر افعال و احوال خود می داند و تمام شئون زندگی خود را در محضر ایشان محسوب می کند، در انجام وظایف دینی و اخلاقی خود فروگذار نخواهد کرد. در درون چنین انسانی انگیزشی درونی ایجاد می شود که او را به سمت فضایل

سوق می‌دهد و از رذایل باز می‌دارد.

در امام معصوم، ویژگی‌هایی وجود دارد که نظارت او را بسیار اثرگذار می‌سازد. امام معصوم از یک سو علمی لدنی و خطاناپذیر دارد و لذا هم بر ظاهر اعمال فرد و هم بر سرائر او عالم است و خطایی نیز در علم او وجود ندارد و از سوی دیگر، معصوم است و هرگونه ارزیابی او از دیگران همراه با صداقت، بی‌طرفی، امانت‌داری و... خواهد بود. از این رو توجه به ناظر بودن او نیز ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که در سیر معنوی انسان منتظر، نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. این نظارت امام، دائمی است و در هر زمان و مکان وجود دارد. از این رو انگیزشی که در منتظران ایجاد می‌کند، دائمی است.
 ۲. این نظارت، به روابط اجتماعی منحصر نمی‌شود، بلکه همه ساحت‌های تعالیم دینی را در همه ابعاد دربر می‌گیرد.
 ۳. این نظارت، به ظاهر عمل منحصر نیست، بلکه باطن و انگیزه عمل نیز مورد رؤیت امام معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد. بنابراین نه تنها حسن فعلی، بلکه حسن فاعلی فرد نیز در منظر امام قرار دارد و این خود عاملی برای تأمین اخلاص در اعمال به شمار می‌آید.
 ۴. در علم امام، مباحثی چون قابل اثبات بودن جرم، فرار از قانون، مخفی نگه داشتن و... معنا نمی‌دهد. از این رو راه را برای هر نوع غفلت از آموزه‌های دینی مسدود می‌سازد.
- با توجه به این ویژگی‌ها توجه به ناظر بودن امام معصوم، انگیزه کاملی برای سیر معنوی و کمالی فرد و جامعه ایجاد می‌کند؛ چیزی که در ضمانت‌های اجرایی حقوقی پیدا نمی‌شود. حتی فراتر از این، به فرض این که ضمانت اجرایی بیرونی بتواند افراد را به طور کامل ملزم به قانون سازد، تنها ظاهر عمل را با قانون سازگار می‌کند و حال آن که ارزش واقعی عمل - چنان که گذشت - در نیت آن نهفته که از دسترس خارج است. از این رو حداکثر توان آن، ایجاد نظم در زندگی اجتماعی آن هم در حیطة حیات دنیوی است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۲۶).

ج) دیگر آثار اخلاقی توجه به علم امام علیه السلام

بر اساس آن چه گفته شد، توجه به علم امام معصوم علیه السلام عاملی است که زمینه ایجاد همه فضایل را در منتظران فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، اراده منتظران را در دوری از همه رذایل اخلاقی تقویت می‌کند. اما فراتر از این اثرگذاری عام، توجه به علم امام علیه السلام برخی از فضایل

اخلاقی خاصی را در فرد ایجاد می‌کند؛ از جمله این‌که توجه منتظر به حضور در محضر امام و مولای خود، سبب می‌شود صبر و استقامت در او پدید آید، یا اگر وجود دارد افزایش یابد. از این رو سختی‌هایی که در مسیر زندگی برای او ایجاد می‌شود، به دلیل احساس همراهی با امام خود، برای او تحمل پذیرتر می‌شود. این سختی‌ها گاهی در مسیر معنوی او رخ می‌دهد؛ سختی‌هایی که در مسیر کمال اخلاقی و معنوی باید تحمل کرد، گاهی سختی‌ها و مشکلاتی است که در حیات دنیوی برای او پیش می‌آید و گاهی سختی‌هایی است که به سبب دین‌داری او از جانب دشمنان بر منتظران تحمیل می‌شود، چنان‌که در طول تاریخ تشیع، شیعیان با اتکای به این باور که امام زمان علیه السلام به آن‌ها علم دارد و ناظر دردها و مشکلات آنان است، تمام مظلومیت‌ها را تحمل کرده‌اند و با استقامت و پایداری، مسیر خود را در همه حوادث تلخ و ناگواری که دشمنان برای آنان رقم زده‌اند، ادامه داده‌اند. از این رو توجه به علم امام علیه السلام سبب می‌شود منتظران با توکل بر خداوند و توسل به امام خود، با صبر و استقامت و صف‌ناشدنی، حیات دینی و اجتماعی خود را ادامه دهند.

از سوی دیگر، توجه به همراهی با امام عصر علیه السلام احساس تنهایی را در منتظران از بین می‌برد و مانع حیرت و سرگشتگی منتظران می‌شود. لذا اگرچه در زمان غیبت، از حضور ظاهری امام معصوم علیه السلام محروم‌اند، اما توجه به این‌که امام ناظر آن‌هاست و لحظه لحظه حیات آن‌ها در منظر امامشان است، سبب دلگرمی و مانع حیرت و سرگشتگی خواهد بود.

د) امام جایگاه علم الهی

ممکن است کسی تصور کند آن‌چه درباره علم امامان معصوم علیهم السلام و ناظر بودن آن‌ها بر اعمال انسان‌ها گفته شد، در عرض علم الهی قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که همین حقایق درباره علم خداوند وجود دارد. خداوند عالم به نهان و آشکار است و ذره‌ای در آسمان و زمین از حیطة علم او خارج نیست (یونس: ۶۲) و هر چه در عالم انجام می‌گیرد می‌بیند (علق: ۱۴) و همین توجه به علم خداوند، بازدارنده انسان از بدی‌ها و سوق دهنده او به خوبی‌ها خواهد بود.

اما باید توجه داشت اولاً تعدد شاهدان و ناظران اعمال مورد تأکید آیات و روایات است و علاوه بر خداوند متعال و پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام - که بر اساس مباحث پیشین، ناظر بر اعمال و شاهد روز قیامت خواهند بود - فرشتگان نیز ناظر بر اعمال و شاهد روز قیامت‌اند (انفطار: ۱۰ - ۱۲). همچنین اعضا و جوارح انسان (فصلت: ۲۰ و ۲۱؛ نور: ۲۴)، زمین (زلزال: ۲ -

۵) و زمان (آل عمران: ۱۴۰) نیز از شاهدان و گواهان روز قیامت به شمار می‌آیند. این تعدد شاهدان، انسان را در اعمالش دقیق‌تر و او را از غفلت دورتر می‌سازد.

ثانیاً هیچ‌گاه علم امام علیه السلام در عرض علم الهی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ائمه اطهار علیهم السلام جایگاه علم الهی به شمار می‌آیند و به تعبیر روایات فراوانی که در این باره آمده است، ائمه علیهم السلام خزّان علم الهی محسوب می‌شوند (نک: صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۱۰۵):

تَحْنُ وَلَا تَأْمُرُ اللَّهُ وَ خَزَائِنُ عِلْمِ اللَّهِ؛ (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰۵)

ما سرپرستان امر خداوند و خزانه‌داران علم الهی هستیم.

بر همین اساس در زیارات، آنان را «خزّان العلم» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰) معرفی می‌کنیم. از این رو، ائمه اطهار علیهم السلام در نگاه شیعیان، جایگاه علم الهی هستند و نمی‌توان علم آن‌ها و شاهد و ناظر بودنشان بر اعمال عباد را در عرض علم خداوند به شمار آورد.

۴. اعتقاد به حضور امام

از جمله باورهای عمیقی که در بحث امامت باید مورد توجه قرار گیرد، معیت وجودی امام معصوم علیه السلام با عالم است. بر اساس تعالیم دینی، امام با عالم معیت وجودی دارد. در بخش پیشین، سخن بر سر علم امام به همه عوالم بود، اما منتظران در مرتبه بالاتری از شناخت نسبت به امام، به حضور وجودی او در همه عوالم معرفت می‌یابند. در این مرحله، امام معصوم علیه السلام را جدای از عالم و صرفاً عالم به آن نمی‌داند، بلکه حضور وجودی حضرت را در تار و پود عالم درک می‌کند.

البته تبیین و تحلیل معیت وجودی امام معصوم علیه السلام با عالم، نیازمند نوشتاری مستقل است، اما اشاره‌وار می‌توان گفت در تحلیل دقیق علم امام علیه السلام به حضور او در عالم دست می‌یابیم، بدین معنا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام شاهدان اعمال محسوب می‌شوند و شاهد اعمال بودن، بر حضور آنان در نزد انسان‌ها دلالت دارد. از این رو شهود اعمال، دلیل حضور شاهد خواهد بود.

در عرفان اسلامی از این حقیقت، با نام «سریان انسان کامل در عوالم» یاد می‌شود که این امر در سفر سوم از اسفار اربعه برای انسان کامل رخ می‌دهد (قیصری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۴۳) و بر اساس آن، هیچ حقیقتی از حیظه وجودی انسان کامل خارج نیست (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۵۷).

تأثیر اعتقاد به حضور وجودی امام علیه السلام در اخلاق منتظران

اگر در بحث علم امام گفته شد توجه به علم امام علیه السلام سبب می شود منتظران با دقت کامل، اعمال، صفات و اندیشه های خود را از هر کجی و انحراف بازدارند، توجه به حضور خود امام علیه السلام که معرفتی عمیق تر به امام معصوم علیه السلام است، به طریق اولی، منتظران را از هر غفلتی باز می دارد؛ انسانی که امام و مولای خود را لحظه لحظه در کنار خود می داند و همه عالم را محضراو می بیند، کوچک ترین رفتار و گفتار خود را با تأمل و دقت انجام می دهد. البته مسئله مهم، رسیدن به این معرفت است. اگر امام زمان علیه السلام در پرده غیبت نبود و در عالم ظاهر در محضراو زندگی می کردیم، مواظبت ما برگفتار و رفتارمان چگونه بود؟ حال کسی که به این معرفت برسد که همواره عمر خود را در محضرا امام خود بداند، در مسیر تهذیب نفس و کمال اخلاقی کوچک ترین کوتاهی یا لغزشی را بر خود جایز نمی داند.

۵. رابطه محبت آمیز بین امام غایب و منتظران

توجه به یک ناظر، در اصلاح رفتارهای انسان بسیار مؤثر است و وقتی این نظارت، نظارتی کامل باشد، شامل درون و بیرون فرد گردد، نه تنها رفتارها بلکه صفات نفسانی فرد و اندیشه های او را نیز اصلاح می کند؛ اما آن چه میزان اثرگذاری این نظارت را بالا می برد، نوع ارتباطی است که فرد با ناظر دارد.

در نگاه مکتب رابطه شیعیان با امام معصوم علیه السلام رابطه ای حُبّی است؛ رابطه ای که بر اساس دستور خداوند در آیات قرآن کریم، شکل گرفته است:

﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾. (شوری: ۲۳)

روایات بسیاری نیز از اهل سنت (نک: سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ۷) و شیعه (نک: بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۸۱۵)، در این باره به چشم می خورد که محبت اهل بیت علیهم السلام را به عنوان یکی از مسائل اساسی اسلامی مورد توجه قرار می دهد، تا جایی که در برخی روایات، در تأیید محبت شیعیان به امامان معصوم علیهم السلام می فرماید:

وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۶۷)

الف) تربیت اخلاقی براساس محبت

حکمت تأکیدات فراوان دین اسلام بر محبت به اولیای الهی را باید در دو امر کلی

جست‌وجوکرد (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۲)؛ اولاً این ارادت و محبت، زمینه‌ساز پیوند دادن مسلمانان به ائمه اطهار علیهم‌السلام است تا ولایت دینی و زعامت اجتماعی آن‌ها زمینه اجرا پیدا کند و به دیگر سخن، ولای محبت، مقدمه و وسیله‌ای برای ولای امامت و ولای زعامت است. ثانیاً محبت به اولیای الهی، عاملی بسیار ارزنده در تربیت نفوس و تزکیه روح انسان به شمار می‌آید که موضوع بحث ما در همین امر است. وقتی رابطه منتظران حضرت مهدی علیه‌السلام با امام غایبشان رابطه‌ای بر اساس اوج محبت و مودت پایه‌ریزی شده باشد، به طور ناخودآگاه، سبب تربیت اخلاقی منتظران می‌شود.

محبت و مودت چنین ذوات مبارکی، مایه تربیت نفوس، تخلق به خلق الهی و اتصاف به صفات کریمه آن‌هاست و از سوی خداوند والا بر هر مؤمنی واجب گردیده است. این محبت و مودت نه امری تشریفاتی، که از اصول دین و سرمایه‌های رسمی آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۷).

نتیجه محبت و عشق به یک فرد، تبعیت و همرنگی با اوست. از این رو محبت و عشق، اطاعت‌آور است و عاشق، ناخودآگاه همرنگ با معشوق خود می‌شود و نه تنها در رفتارهای بیرونی، بلکه نوع گرایش‌ها و خواست‌های او نیز با گرایش‌ها و خواست‌های معشوق، همراه می‌گردد. بدین رو اگر این محبت و عشق به اولیای الهی و انسان‌ها کامل باشد، فرد را به سمت کمال و تعالی سوق می‌دهد و او را همرنگ و همراه با اولیای الهی قرار می‌دهد. به تعبیر شهید مطهری، محبت به سوی مشابهت و مشاکلت می‌راند و قدرت آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ۲۶۴).

ب) محبت بهترین راه تهذیب نفس

یکی از اساسی‌ترین امور برای تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی، اراده و همت است که اگر این اراده و همت قوی باشد، فرد در سیر و سلوک خود موفق است و هر اندازه این اراده ضعف یابد، سیر و سلوک سست می‌شود. اما مهم‌ترین عاملی که اراده فرد را استوار می‌سازد محبت و عشق است؛ اکسیر محبت، رخوت و سستی را از اراده انسانی می‌زداید و عزم را راسخ و همت را نیرومند می‌سازد (همو: ۲۶۷ - ۲۶۸). بر همین اساس اگرچه برای اصلاح اخلاق و تهذیب نفس، راه‌های گوناگونی پدید آمده است، اما بهترین راه سیر و سلوک معنوی و تهذیب نفس، راه محبت و عشق است. شهید مطهری در مقایسه راه عشق و محبت با دیگر راه‌ها و در تحلیل تأثیر محبت اولیای الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌فرماید:

اگر انسان بخواهد با تکیه بر تفکر و تذکر و محاسبه النفس و مراقبه و غیره، اخلاق سوء را یک یک با سرانگشت فکر و حساب از خود بزدايد و خود را اصلاح نماید، البته عملی است؛ اما مثل همان است که انسان بخواهد براده های آهن را یک یک جمع کند. ولی اگر انسان این توفیق را پیدا کند که کاملاً پیدا بشود و او شیفته آن کامل گردد، می بیند کاری که او در ظرف چند سال انجام می داد این در ظرف یک روز انجام می دهد. (همو: ج ۲۲، ۷۷۴)

با این توضیحات روشن می شود که در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام اگرچه برای منتظران امکان حضور ظاهری در محضر ایشان وجود ندارد، اما محبت و عشق به ایشان - که اساس رابطه شیعیان با امامشان محسوب می شود - اکسیری است در تهذیب نفس منتظران و بهترین و اثرگذارترین راه در زمینه اخلاقی ساختن فرد و جامعه منتظران به شمار می آید.

نتیجه

منتظران امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، افزون بر بهره مندی از عنایت امام زمان علیه السلام و بهره گیری از علمای راستین، می توانند با استمداد از مجموعه ای از باورهای عمیق در باب امامت، خود را از غفلت ها و انحرافات زمانه غیبت مصون سازند و زمینه تکامل معنوی و اخلاقی خود را فراهم سازند و بدین وسیله زمینه ساز ظهور امام غایب خود گردند. در این نوشتار این باورها را در چند محور بررسی کردیم.

نخستین باور مؤثر در سوق دادن منتظران به سوی مکارم اخلاقی، اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام است؛ معرفت به وجود امام علیه السلام سبب ایجاد گرایش درونی به حضرت می شود و زمینه ساز همراهی و همسویی منتظران با ایشان می گردد. باور دیگری که در مسیر کمال معنوی، منتظران را یاری می دهد، اعتقاد به ظهور حضرت علیه السلام است؛ انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام موجب می شود فرد منتظر، از یک طرف با ایجاد صفات اخلاقی، در به دست آوردن ویژگی های یاوران آن حضرت بکوشد و از سوی دیگر، در هر زمانه خود را برای ظهور ناگهانی ایشان آماده سازد و نیز برای تحقق ظهوری که انتظار آن را می کشد زمینه سازی کند.

اعتقاد به علم فراگیر امام علیه السلام نیز از مهم ترین عوامل مؤثر در دوری انسان منتظر از ذایل و حرکت او به سمت فضایل است. کسی که همواره خود را در منظر امام علیه السلام می داند، برای سیر معنوی، انگیزه ای قوی پیدا می کند و ظاهر و باطن خود را از هر آن چه او را از چشم امام می اندازد دور می سازد. البته با تحلیل دقیق علم فراگیر امام علیه السلام به حضور وجودی او در عالم می رسیم. منتظران با دستیابی به این درک عمیق از امام علیه السلام نه تنها امام را عالم به خود

می دانند، بلکه هر لحظه خود را در محضراو می بینند.

ارادت و محبت منتظران به امام رئوف خود نیز از مؤثرترین عوامل در تربیت نفوس و تزکیه روح آن‌ها به شمار می آید. فرد منتظر با اکسیر عشق به امام خود، جان و روح خود را درپرتو شعاع نورانی او قرار می دهد؛ با حرارت عشق، آلودگی های خویش را می سوزاند و با آب حیات بخش آن، گلستان وجود خود را بارور می سازد.

بر اساس آن چه در این نوشتار آمد، روشن شد اگرچه شرایط موجود در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام جامعه و فرد را به سمت حیرت و گمراهی سوق می دهد و دروادی غفلت گرفتار می سازد، اما بارور ساختن مجموعه باورهای شیعیان نسبت به امام علیه السلام می تواند در زمان غیبت نه تنها انحراف، حیرت و غفلت را از منتظران بزدايد، بلکه می تواند آن‌ها را در سیر معنوی و تزکیه اخلاقی، تا بالاترین درجات دستگیری نماید. از این رو از جمله بهترین راهکارها برای سوق دادن منتظران به سمت کمالات اخلاقی و مراتب و مقامات معنوی، تعمیق مجموعه ای از باورهای آن‌ها نسبت به امام زمان علیه السلام است. بنابراین بر فرد منتظر و جامعه منتظران ضروری است با بارور ساختن این باورها، فضایل اخلاقی را در جامعه شیعی گسترش داده و زمینه ظهور را فراهم سازند.

منابع

- اکبرنژاد، مهدی، *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- آشتیانی، سید جلال‌الدین، *شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی (عج) موجود موعود*، تحقیق و تنظیم: سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- _____، *تسنیم، تنظیم: احمد قدسی، ویرایش: علی اسلامی*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتی (عج)، اول، ۱۴۰۹ ق.
- حیدری، سید کمال، *علم‌الامام*، به قلم: علی حمود عبادی، قم، دار فراق، ۱۴۲۹ ق.
- سجستانی (ابی داود)، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، تحقیق: خلیل مأمون شبجا، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۲ ق.
- سیوطی، جلال‌الدین، *درالمشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، *معرفت امام زمان (عج) و تکلیف منتظران*، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۷ ش.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- صفار، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات*، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

- طباطبایی، سید محمدحسین، *بررسی‌های اسلامی*، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
- _____، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *الغیبة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، قم، اول، ۱۴۱۱ق - الف.
- _____، *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، مقدمه: علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق - ب.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- فقیه ایمانی، مهدی، *الامام المهدی عند اهل السنة*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۲ق.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: خلیل مأمون شبجا، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۹ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری، قم، دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- قیصری، داوود، *شرح فصوص الحکم*، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
- کوفی (ابن عقده)، احمد بن محمد، *فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام*، تحقیق: حرزالدین عبدالرزاق محمد حسین، قم، نشر دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مدرسی، سید محمدرضا، فلسفه اخلاق، تهران، سروش، ۱۳۷۱ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش - الف.
- _____، حقوق و سیاست در قرآن، نگارش: محمد شهبابی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ش.
- _____، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی و محمد مهدی کریمی نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.
- مغربی (ابن حیون)، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تصحیح: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المتظر، تحقیق: لجنة من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلام، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.
- هاشم العمیدی، سید ثامر، در انتظار قنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علی زاده، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ش.

